

همکاری در تألیف

شیوه‌ها و مزایای آن

● محمدرضا امیری

کارشناس ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی

– شیوه‌های همکاری در تألیف یا ماهیت روابط کاری بین نویسندگان همکار
– چگونگی تقسیم امتیاز تألیف بین نویسندگان همکار (چگونگی نوشتن نام نویسندگان روی مقاله)
– مزایای همکاری در تألیف

شیوه‌های همکاری در تألیف یا ماهیت روابط کاری بین نویسندگان همکار نویسندگان همکار به شیوه‌های مختلفی می‌توانند با هم همکاری و فعالیت داشته باشند. انتخاب هر کدام از شیوه‌های همکاری به شرایط علمی و میزان داشته‌های علمی نویسندگان همکار و نوع توافق آنها بستگی دارد. شیوه‌هایی که برای همکاری در تألیف وجود دارد توسط محققان با عناوین مختلفی تقسیم‌بندی شده است. از جمله، تقسیم‌بندی «آن اوستین» (Ann Austin) و «راجر بالدوین» (Roger Baldwin) است که دو نوع همکاری در تألیف را برشمرده‌اند: (Austin & Baldwin, 1991):

همکاری محدود، (Partial Collaboration) در این نوع همکاری افراد، مسئول بخش‌های خاصی از پروژه تحقیقی می‌شوند.

همکاری کامل، (Full Collaboration) در این نوع همکاری، تقسیم‌کار مشخصی وجود ندارد و متکی بر توافق نویسندگان است. «مساری فساکس» (Mary Fox) و «کاسترین فیور» (Cathrine Faver) تقسیم‌بندی دیگری را برای همکاری در تألیف ارائه داده‌اند (Fox & Faver, 1982):

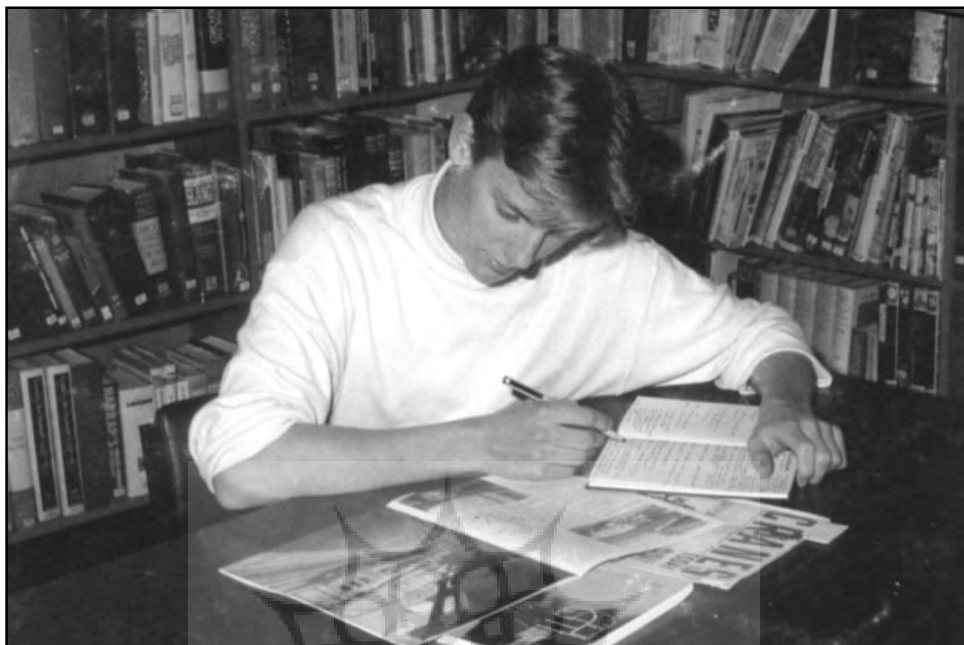
همکاری همتراز، (Peer alliance) در این نوع از همکاری، دو

چکیده: در سال‌های اخیر، مقالات و آثاری که توسط دو یا چند نویسنده، به رشته تحریر درآمده، رو به فزونی نهاده است. برای این نوع از همکاری در خلق آثار، مزایا و شیوه‌هایی قائلند که در این مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد.

مقدمه

در طی چند دهه گذشته انتشار مقالات علمی، به طور فزاینده‌ای، به صورت حاصل تلاش مشترک دو یا چند نویسنده درآمده است. پدیده «تألیف مشترک» یا «همکاری در تألیف» که معادل واژه "Co-authorship" در زبان انگلیسی است، فرآیندی را شامل می‌شود که طی آن دو یا چند نویسنده جهت خلق یک اثر علمی، با اتخاذ یکی از شیوه‌های همکاری، منابع و استعداد‌های خود را به اشتراک گذاشته و با هم همکاری می‌کنند.

همکاری در تألیف در حوزه‌های علمی سابقه طولانی دارد. از لحاظ تاریخی، این پدیده در ابتدا در حوزه‌های علوم و علوم اجتماعی بیشتر مورد توجه قرار گرفته، اما در سال‌های اخیر، در حوزه‌های دیگر از جمله حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی، رو به افزایش نهاده است. با این حال این پدیده در داخل ایران کمتر مورد بررسی قرار گرفته است و بعضاً مشاهده می‌شود که در مورد بعضی از نویسندگان (به ویژه دانشجویانی که با همکاری اساتید خود مبادرت به نوشتن مقالاتی می‌کنند) اجحاف صورت می‌گیرد. بنابراین در این مقاله تلاش می‌شود که جنبه‌های زیر، از همکاری در تألیف مورد بررسی قرار گیرد:



شواهد نشان می‌دهد که بین همکاری در تألیف و کیفیت مقاله رابطه‌ای مثبت وجود دارد. زیرا هریت ژوکرمین در پژوهش خود دریافت که برندگان جایزه نوبل یک رشته، در مقایسه با دیگر دانشمندان همان رشته بیشتر کسانی هستند که تمایل زیادی به همکاری در تألیف دارند

تقسیم امتیاز تألیف بین نویسندگان همکاری یا چگونگی نوشتن ترتیب نام‌ها قاعده کلی که در این زمینه وجود دارد مربوط به انجمن روانشناسی آمریکا (APA) است. APA تأکید دارد که قاعده کلی این است که نام مقاله نویس اصلی در ابتدا و به دنبال آن نام‌های بعدی به ترتیب کاهش نقش نویسندگان می‌آید (American Psychological Association, 1994). شیوه‌های دیگری نیز استفاده می‌شود که قاعده خاصی را دنبال نمی‌کند. از جمله «جیمز اندرزبای» (James Endersby) در تحقیقی نشان داد که بیشتر دانشمندان علوم اجتماعی مایلند که نام نویسندگان، بدون در نظر گرفتن میزان تلاشی که داشته‌اند، به ترتیب الفبا قرار گیرد (Endersby, 1996). البته این شیوه زمانی

یا چند نویسنده با موقعیت یکسان، همکاری می‌نمایند و بیشتر فرصتی برای به اشتراک گذاشتن ایده‌های جدید است.

همکاری سلسله مراتبی (Junior/senior alliance) در این نوع همکاری، نویسندگان همکار به لحاظ ارشدیت، در موقعیت یکسانی نیستند. مزیت این نوع همکاری، ساختار مسئولیتی آن است.

اما تقسیم بندی دیگری وجود دارد که توسط «استیون فلویید» (Steven Floyd) و «دین شرودر» (Dean Schroeder) دسته بندی شده اند که به نظر می‌رسد تقسیم بندی مناسبی باشد، زیرا دسته بندی های فوق را نیز شامل می‌شود. «فلویید» و «شرودر» شیوه های همکاری در تألیف راسه نوع دانسته اند (Floyd & Schroeder, 1994):

شیوه شورایی (Collegial model) در این شیوه نویسندگان همکار به طور مساوی تقسیم کار کرده و با هم فعالیت می‌کنند.

شیوه مشاوره‌ای (Mentoring model) در این نوع از همکاری، یک نویسنده ارشدتر، یک یا چند نویسنده با مهارت کمتر را مشاوره می‌دهد، به این منظور که نویسندگان همکار از نویسنده ارشدتر چیزی بیاموزند.

شیوه هدایتی (Directing model) در این شیوه اولین نویسنده که نویسنده اصلی محسوب می‌شود، مسئولیت اصلی را عهده دار شده و در سازماندهی تحقیق پیشقدم است.

«ریچارد هارت» (Richard Hart) در تحقیق خود نشان داد که بیشتر نویسندگان مقالات کتابداری از شیوه همکاری شورایی استفاده می‌کنند (Hart, 2000).

همکاری در تألیف در حوزه‌های علمی سابقه طولانی دارد. از لحاظ تاریخی، این پدیده در ابتدا در حوزه‌های علوم و علوم اجتماعی بیشتر مورد توجه قرار گرفته، اما در سال‌های اخیر، در حوزه‌های دیگر از جمله حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی، روبه افزایش نهاده است

می‌تواند اجرا گردد که سهم هر کدام از نویسندگان، هم در تقسیم کار و هم در تقسیم امتیاز تألیف مساوی باشد. اما آنچه مسلم است اینکه، معمولاً نویسنده‌ای که نام او قبل از نویسندگان دیگر می‌آید، به عنوان نویسنده اصلی قلمداد می‌شود. بنابراین گاهی بر حسب توافق، تعدادی از نویسندگان همکار در مقالات متعدد خود، به نوبت اسامی خود را در ابتدا می‌نویسند تا از امتیاز آن استفاده نمایند. براساس نتایج پژوهش هارت، بیشتر نویسندگان کتابداری قاعده APA را می‌پذیرند (Hart, 2000).

مزایای همکاری در تألیف

اهمیت و مزایای همکاری در تألیف یا آثار چند مؤلفی (authorship Multiple) از آنجا نمایان می‌شود که در سال‌های اخیر مجلات معتبر ترجیح می‌دهند مقالاتی را چاپ کنند که حاصل تلاش مشترک دو یا چند نویسنده باشد. چنانکه استانی پریسر (Presser Stanely) دریافت که در علوم اجتماعی، مقالاتی که چند مؤلفی هستند، نسبت به مقالات تک مؤلفی بیشتر برای چاپ پذیرفته می‌شوند (Presser, 1980).

در زمینه علوم و علوم پایه هم دی بیور (D. Beaver) و آر. روزن (R. Rosen) به نتایج مشابهی رسیدند (Rosen & Beaver, 1979). در زمینه علوم کتابداری نیز تحقیقات نشان‌دهنده تمایل مجلات *Libraries College & Research* و *The Journal of Academic Librarianship* به چاپ مقالات چند مؤلفی است.

بررسی مزایای پدیده همکاری در تألیف، علت افزایش تمایل مجلات به چاپ مقالات چند مؤلفی و نیز افزایش این پدیده در بین نویسندگان را بهتر نمایان می‌سازد. هارت مزایای همکاری در تألیف را به شرح زیر بر شمرده است (Hart, 2000):

۱. ارتقا کیفیت مقاله: این مزیت مهم‌ترین مزیت همکاری در تألیف می‌باشد. شواهد نشان می‌دهد که بین همکاری در تألیف و کیفیت مقاله رابطه‌ای مثبت وجود دارد. زیرا هریت ژوکرم (Harriet Zuckerman) در پژوهش خود دریافت که برندگان جایزه نوبل یک رشته، در مقایسه با دیگر دانشمندان همان رشته بیشتر کسانی هستند که تمایل زیادی به همکاری در تألیف دارند. علت اصلی افزایش تمایل مجلات معتبر به چاپ مقالات چند مؤلفی نیز ارتقای این گونه مقالات است.

۲. استفاده از تخصص و مهارت نویسنده همکار. افزایش علوم بین رشته‌ای و گسترش روابط بین رشته‌ای، ضرورت استفاده از حوزه‌های مختلف، جهت حل مسأله‌ای واحد را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید (این ویژگی به ویژه در رشته‌های علوم از جمله فیزیک، شیمی و ریاضی غیر قابل انکار است). بنابراین این گونه همکاری در تألیف (استفاده از مهارت نویسنده همکار) بیشتر ناشی از نیاز است تا یک انتخاب. مقالات حاصل از این نوع همکاری از کیفیت نسبتاً بالاتری برخوردار می‌باشند.

۳. ارائه ایده‌های جدید و با ارزش توسط نویسنده همکار. بحث و تبادل فکری که بین نویسندگان همکار به وجود می‌آید، می‌تواند منشأ ارائه ایده‌های ارزشمندی، جهت بررسی در مقاله و حتی در مقالات بعدی شود.

۴. افزایش انتشارات علمی. یکی از دلایل افزایش انتشارات علمی، پدیده همکاری در تألیف است. «آن اوستین» و «راجر بالدوین» نشان دادند که اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، همکاری در تألیف را به عنوان روشی برای افزایش تعداد انتشارات خود جهت ارتقا درجه علمی خود می‌دانند. این مزیت را باید به دید مثبت نگریست؛ چون فارغ از در نظر گرفتن ترفیعات شخصی اعضای هیأت علمی، باعث افزایش انتشارات علمی و گسترش افق‌های علم خواهد شد.

۵. یادگیری از نویسنده همکار. در نوعی از انواع همکاری در

و شیوه‌های همکاری در تألیف پژوهشی انجام نشده است. بنابراین برای بررسی مشکلات و شیوه‌های همکاری در تألیف، بین نویسندگان در ایران، پژوهش‌هایی انجام شود.

منابع:

1. American Psychological Association, *Publication Manual of the American Psychological Association* (Washington D.C.: American Psychological Association, 1994), p.4.

2. Austin, Ann E. & Baldwin, Roger G. "Faculty Collaboration: Enhancing the Quality of Scholarship and Teaching , " *ASHEERIC Higher Education Report No. 7* (Washington, D.C.: the George Washington University, School of Education and Human Development, 1991), pp. 5-6.

3. Beaver, D. & Rosen, R. "Studies in Scientific Collaboration Part III. Professionalization and the Natural History of Modern Scientific Co-authorship," *Scientometrics* 1 (march 1979): 231-245.

4. Endersby, James W. "Collaborative Research in the Social Sciences: Multiple Authorship and Publication Credit," *Social Science Quarterly* 77 (June 1996): 375-392.

5. Fox, Mary Frank & Faver, Catherine A. "The Process of Collaboration in Scholarly research," *Scholarly publishing* 13 (July 1982): 327-339.

6. Hart, Richard L. "Co-authorship in the Academic library literature: A Survey of Attitudes and Behaviors." *The Journal of Academic Librarianship*. Vol. 26, No.5 (September 2000), pp. 339-345.

7. Presser, Stanley "Collaboration and the Quality of Research," *Social Studies of Science* 10 (February 1980): 95-101.

آنچه شواهد نشان می‌دهد این است که آثار چند مؤلفی به سرعت در حال افزایش است. این افزایش بیشتر بر اساس نیاز است تا انتخاب

تألیف که به مشاوره‌ای معروف است، نویسندگان همکار دارای درجات مختلفی از مهارت و درجه علمی می‌باشند که هدف نویسنده یا نویسندگان همکاری که از لحاظ علمی دارای مهارت کمتری هستند، یادگیری از نویسنده ارشدتر خود می‌باشد.

آنچه شواهد نشان می‌دهد این است که آثار چند مؤلفی به سرعت در حال افزایش است. این افزایش بیشتر بر اساس نیاز است تا انتخاب؛ زیرا اولاً با توجه به ماهیت بین رشته‌ای بعضی از علوم، نیاز به همکاری با نویسندگان رشته‌های مختلف جهت حل مسأله‌ای واحد اجتناب‌ناپذیر است. ثانیاً، از پیش نیازهای ارتقا درجه اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، انتشارات آنها می‌باشد. بنابراین بر اساس این نیاز اعضای هیأت علمی، تمایل به همکاری در تألیف با نویسندگان دیگر، برای افزایش انتشارات خود دارند. اما با وجود این، ارتقا کیفیت مقالات چند مؤلفی، از مهم‌ترین دلایلی است که می‌بایست، همکاری در تألیف بیشتر مورد توجه نویسندگان قرار گیرد. در این گونه مقالات است که ایده‌های جدید و زیادی به بحث گذاشته شده، گسترش افق‌های جدید در علوم مختلف را باعث می‌شود.

اما بررسی متون نشان می‌دهد که در ایران، در زمینه چگونگی